



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

**بررسی و تحلیل اشعار شیخ بهایی
(با تأکید بر صور خیال)**

استاد راهنما :

دکتر بهاء الدین اسکندری

استاد مشاور :

دکتر سید علی رضا حجازی

نگارنده :

متین محمد شفیعی

زمستان ۱۳۸۹

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا برخود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی جناب آقای دکتر اسکندری که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم .
از جناب آقای دکتر حجازی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند کمال تشکر را دارم .

چکیده

شیخ بهاء الدین عاملی، عالم و فقیه برجسته شیعی در قرن دهم هجری است که شعر و ادب تنها جنبه کوچکی از شخصیت جامع وی را نشان می دهد. در این رساله سعی شده است که اشعار وی بر اساس اصلی ترین جوهر سازنده شعر؛ یعنی خیال مورد بررسی و تحلیل واقع شود؛ به طوری که میزان استفاده شاعر از هر یک از عناصر خیال معلوم گردد. شعر برای بهایی وسیله است نه هدف؛ وسیله ای برای انتقال معانی و مفاهیم عالی ذهنی به مخاطب. صور خیال نیز برای او جنبه القایی دارد و نه ارزش اصلی. او به دنبال تصویر سازی و هنرنمایی های شاعرانه نیست؛ به همین دلیل است که تصاویر شعری اش اغلب غیر ابتکاری و تکراری است. شاید تتبع و توغّلش در آثار ادبی گذشته، به منظور آموختن شعر فارسی نیز در این مورد بی تأثیر نباشد. بهایی، بیشتر پیرو شاعران برجسته سبک عراقی است ولی سبک خاصی را دنبال نمی کند. مضامین اشعار او نیز اغلب پیرامون تعلیم و اخلاق و عرفان می گردد. وی برای متجسم و محسوس کردن عناصر انتزاعی، بیشترین بهره را از تشبیه عقلی به حسی برده است. استعاره مکنیه و کنایه از فعل نیز در اشعارش کاربرد چشمگیری دارد.

کلمات کلیدی: شیخ بهایی، اشعار، بررسی و تحلیل، صور خیال.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	الف) بیان مسأله
۱	ب) اهمیت موضوع و اهداف
۱	ج) پرسش های پژوهش
۲	د) فرضیات پژوهش
۲	ه) پیشینه تحقیق
۲	و) روش تحقیق
۳	فصل اول: شرح احوال و آثار شیخ بهایی
۳	۱-۱- نسب و خاندان
۴	۱-۲- ولادت و کودکی
۴	۱-۳- تحصیلات و معلومات
۵	۱-۴- زندگی اجتماعی و سیاسی
۸	۱-۵- اخلاق و عقاید و مذهب
۸	۱-۵-۱- اخلاق
۸	۱-۵-۲- شیخ بهایی و تصوف
۱۰	۱-۶- شاگردان و معاصران
۱۰	۱-۷- آثار و تألیفات
۱۱	۱-۷-۱- آثار مذهبی
۱۲	۱-۷-۲- ریاضی، نجوم، طبیعیات
۱۲	۱-۷-۳- آثار ادبی
۱۲	۱-۷-۳-۱- آثار منثور
۱۲	۱-۷-۳-۱-۱- پند نامه اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش

۱۳کشکول ۲-۱-۳-۷-۱
۱۴آثار منظوم ۲-۳-۷-۱
۱۴نان و حلوا ۱-۲-۳-۷-۱
۱۴شیر و شکر ۲-۲-۳-۷-۱
۱۵نان و پنیر ۳-۲-۳-۷-۱
۱۵مثنوی منسوب ۴-۲-۳-۷-۱
۱۶۸-۱ شعر شیخ بهایی
۱۶۱-۸-۱ ویژگی های شعری
۱۷۲-۸-۱ گرایش ها و مضامین شعری
۱۷۱-۲-۸-۲ درون مایه های اخلاقی
۱۹۲-۲-۸-۱ علم رسمی، علم عشق
۲۲۳-۲-۸-۱ ملامتی گری و اشعار قلندری
۲۳۴-۲-۸-۱ طنز
۲۵۵-۲-۸-۱ مدح و گرایش های شیعی
۲۶۳-۸-۱ تأثیر پذیری از قرآن و حدیث
۲۷۱-۳-۸-۱ از قرآن
۲۸۲-۳-۸-۱ از حدیث
۲۹۴-۸-۱ تأثیر پذیری از شاعران گذشته
۳۰۱-۴-۸-۱ از مولوی
۳۱۲-۴-۸-۱ از حافظ
۳۲۳-۴-۸-۱ از خیالی بخارایی
۳۳۹-۱ وفات
۳۴فصل دوم: بررسی صور خیال در اشعار شیخ بهایی
۳۴۱-۲ شعر، بیان، خیال
۳۴۱-۱-۲ شعر
۳۵۲-۱-۲ بیان
۳۵۳-۱-۲ خیال

- ۳۵ ۲-۲-۲ صور خیال
- ۳۶ ۱-۲-۲ تشبیه
- ۳۹ ۱-۱-۲-۲ بررسی تشبیه در اشعار شیخ بهایی
- ۳۹ ۱-۱-۱-۲-۲ بررسی تشبیهات به اعتبار حسی و عقلی بودن طرفین
- ۴۰ الف) مشبه عقلی مشبه به حسی
- ۴۳ ب) مشبه حسی، مشبه به حسی
- ۴۵ ج) مشبه عقلی مشبه به عقلی
- ۴۶ د) مشبه حسی مشبه به عقلی
- ۴۷ ۲-۱-۱-۲-۲ بررسی تشبیهات براساس وجه شبه
- ۴۷ الف) تشبیه مجمل و مفصل
- ۴۸ ب) وجه شبه تحقیقی، تخیلی
- ۵۰ ج) وجه شبه دوگانه (استخدامی، ایهامی)
- ۵۱ د) وجه شبه مفرد، متعدد، مرکب
- ۵۲ ۳-۱-۱-۲-۲ بررسی تشبیهات براساس ادات تشبیه
- ۵۳ الف) تشبیه مرسل
- ۵۴ ب) تشبیه مؤکد
- ۵۵ ۴-۱-۱-۲-۲ بررسی تشبیهات بلیغ
- ۵۵ الف) تشبیه بلیغ اضافی
- ۵۷ ب) تشبیه بلیغ اسنادی
- ۵۸ ۵-۱-۱-۲-۲ بررسی تشبیهات به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین
- ۶۲ ۶-۱-۱-۲-۲ تمثیل، ارسال المثل، اسلوب معادله
- ۶۳ ۷-۱-۱-۲-۲ بررسی انواع تشبیه به لحاظ شکل
- ۶۴ الف) تشبیه مضمَر
- ۶۵ ب) تشبیه تفضیلی
- ۶۵ ج) تشبیه مشروط
- ۶۵ ۸-۱-۱-۲-۲ بررسی تقلید و ابتکار در تشبیهات شیخ بهایی
- ۶۷ ۹-۱-۱-۲-۲ بررسی عناصر سازنده و تأثیر گذار و منابع الهام در تشبیهات

- ۶۸ الف) عناصر انسانی
- ۶۹ ب) عناصر مجرد و انتزاعی
- ۶۹ ج) عناصر طبیعی
- ۷۰ د) عناصر محسوس غیر طبیعی یا اشیاء
- ۷۰ ه) عناصر حیوانی
- ۷۱ و) عناصر کیهانی
- ۷۲ نتیجه گیری از بحث تشبیه
- ۷۳ ۲-۲-۲- مجاز
- ۷۶ ۱-۲-۲-۲- علاقه جزئیت و کلیت
- ۷۷ ۲-۲-۲-۲- علاقه حال و محل
- ۷۸ ۳-۲-۲-۲- علاقه عموم و خصوص
- ۷۸ ۴-۲-۲-۲- علاقه ماکان و مایکون
- ۷۹ ۵-۲-۲-۲- علاقه تضاد
- ۷۹ ۶-۲-۲-۲- علاقه صفت و موصوف و مضاف و مضاف الیه
- ۸۰ ۷-۲-۲-۲- علاقه سببیت
- ۸۰ ۸-۲-۲-۲- علاقه آلیت
- ۸۱ نتیجه گیری از بحث مجاز
- ۸۲ ۳-۲-۲- استعاره
- ۸۳ ۱-۳-۲-۲- بررسی استعاره های مصرحه
- ۸۴ ۱-۱-۳-۲-۲- استعاره مصرحه مجردة
- ۸۵ ۲-۱-۳-۲-۲- استعاره مصرحه مرشحه
- ۸۶ ۳-۱-۳-۲-۲- استعاره مصرحه مطلقه
- ۸۷ ۲-۳-۲-۲- استعاره مکینه
- ۸۷ ۱-۲-۳-۲-۲- اضافه های استعاره
- ۸۹ ۲-۲-۳-۲-۲- در قالب جمله (به صورت غیر اضافی)
- ۹۰ ۳-۲-۳-۲-۲- تشخیص
- ۹۷ ۳-۳-۲-۲- تقسیم بندی های دیگر استعاره

۹۸ تقسیمات استعاره براساس جامع
۹۹ استعاره قریب و بعید
۱۰۰ تحقیق و تخیلیه
۱۰۱ الف) وجه شبه تحقیق
۱۰۱ ب) وجه شبه تخیلیه
۱۰۲ نتیجه گیری از بحث استعاره
۱۰۳ کنایه
۱۱۵ نتیجه گیری از بحث کنایه
۱۱۶ در تکمیل صور خیال
۱۱۶ ۱-۳-۲- اغراق
۱۱۸ ۲-۳-۲- متناقض نما
۱۱۹ ۳-۳-۳- ایهام
۱۲۰ ۴-۳-۳- تأثیر ردیف در صور خیال
۱۲۱ ۵-۳-۲- محور عمودی و افقی خیال
۱۲۵ ۶-۳-۲- تصاویر ایستا و پویا
۱۲۸ ۷-۳-۲- عنصر رنگ و مسأله حس آمیزی
۱۲۹ ۸-۳-۲- سنت های ادبی در صور خیال
۱۳۱ ۹-۳-۲- اسطوره
۱۳۵ فصل سوم : نتیجه گیری پایانی
۱۴۰ فصل چهارم : جدول ها و نمودارها
۱۵۰ فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

الف) بیان مسأله

شیخ بهاء الدین عاملی، عالم ذی فنون عصر صفوی و یکی از برجسته ترین علمای سده های دهم و یازدهم است که تقریباً در تمام علوم زمان خود از جمله در اخبار، احادیث، اصول، فقه، حکمت، ادعیه، ریاضیات و ادبیات تألیفات بسیاری دارد. آثار ادبی را می توان از جهات گوناگون ادبی و غیر ادبی از جمله: دستور زبان، سبک شناسی، موسیقی شعر، صور خیال، علوم اجتماعی، روان شناسی، تاریخ و غیره مورد بررسی و تحلیل قرار داد و هرکدام از این جوانب، قابلیت دارد که به صورت مستقل مورد تحقیق واقع شود. در این رساله سعی بر آن بوده است که ضمن آشنایی نسبی با جنبه ادبی و شخصیت شعری بهایی، اشعار او بر اساس صور خیال مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

ب) اهمیت موضوع و اهداف

یکی از راه های شناخت اندیشه و نظام ذهنی شاعر، بررسی و تحلیل صورت های مختلف خیالی اثر اوست. شاعر با استفاده از تصاویر خیال انگیز، تلقی و ادراک خود را در همه زمینه ها، چه محسوس و چه انتزاعی در قالب شعر عینیت می بخشد. خیال، جوهر اصلی سازنده شعر است، با استفاده از تصاویر شعری که تجسم عنصر خیال است می توان علاوه بر شناسایی شالوده فکری و شخصیت شاعر، نوآوری و ابتکار و یا تقلید و اقتباس وی را، در آفرینش تصاویر هنری و ساختن مضامین شعری تشخیص داد. در این رساله پس از ارائه زندگی نامه ای از بهایی که حاوی مهم ترین مسائل زندگی اوست، برای نیل به اهداف مذکور، اشعار او بر اساس صور خیال مورد بررسی قرار می گیرد.

ج) پرسش های پژوهش

۱. بهایی از کدام عناصر بلاغی در اشعارش استفاده کرده است؟
۲. نقش هر یک از عناصر خیال در اشعار وی در چه حد است؟
۳. چه نتایجی از بسامد گیری و دسته بندی این عناصر به دست می آید؟

د) فرضیات پژوهش

۱. اشعار بهایی از حیث ساختار، درون مایه و تصویر سازی اغلب غیر ابتکاری و تکراری است.
۲. او دنباله رو شاعران برجسته سبک عراقی، مانند مولوی و حافظ است.
۳. از لحاظ علوم بلاغی، بیشترین گرایش شاعر به استفاده از تشبیه است و در میان انواع تشبیهات، تشبیه عقلی به حسی بالاترین بسامد را دارد.
۴. مذهب، ارزش های دینی، اخلاقی، انسانی، اجتماعی از مضمون های اصلی شعر او می باشد.
۵. علی رغم ترکیبات و مضمون های تکراری و غیر ابتکاری، سادگی، صراحت و صمیمیت از ویژگی های زبانی و شعری اوست.
۶. بیشترین توجه او به محتوا و مفاهیم اشعار است و به دنبال تصویر سازی و هنرنمایی نیست.

ه) پیشینه تحقیق

هر چند در مورد زندگی و جنبه های علمی بهایی تألیفات متعددی انجام شده است، ولی در مورد شعر او و به خصوص بررسی و تحلیل آن بر اساس صور خیال تا به حال تحقیقی صورت نگرفته است.

و) روش تحقیق

برای فصل اول، اکثر منابع اصیل و معتبر در مورد زندگی نامه او مطالعه و یادداشت برداری شد و سپس مطالب مرتبط به صورت مختصر و مفید پاک نویس گردید. فصل دوم نیز با مطالعه کتاب های مختلف بلاغی آغاز شد و پس از آن کل دیوان اشعار بهایی با دقت تمام مورد بررسی قرار گرفت و مواردی که مربوط به این موضوع بود با درج شماره صفحه یادداشت شد و در نهایت برای نتیجه گیری نهایی مورد بسامدگیری قرار گرفت. لازم به ذکر است که شماره صفحات تمام اشعار بر اساس کلیات اشعار شیخ بهایی با مقدمه سعید نفیسی می باشد.

فصل اول: شرح احوال و آثار شیخ بهایی

۱-۱. نسب و خاندان

نام و نسب او بهاء الدین محمد بن محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد^۱ بن شمس الدین محمد بن علی بن حسن بن محمد بن صالح جباعی یا جبعی^۲ حارثی همدانی لویزانی^۳ و لقبش «بهایی» یا «شیخ بهایی» است که می تواند مأخوذ از جزء اول نامش باشد.

جد اعلای خاندانش حارث همدانی است که از خواص اصحاب امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - بوده^۴ و همان کسی است که ایشان قطعه ای با این مطلع را خطاب به وی فرموده اند:

یا حار همدان من یمت یرنی
من مؤمن او منافق قبلاً^۵

وی مدعی بود تا آن زمان که نیاکانش در جیل عامل به سر می برده اند، کرامت ها داشتند و خرق عادت ها می کردند، چنان که برف به تنور گرم می بستند و نان پخته بر می آوردند^۶ ولی چون به ایران آمدند همه کرامت ها و بزرگواری ها از آنان سلب شد و آن گاه بر این بیت حافظ تمثیل می نمود:

من ملک بودم و فردوس برین جایم بود
آدم آورد در این دیر خراب آبادم^۷
گذشته از خوارق عاداتی که نسبت به خاندان وی داده شده است،^۸ از سخنان شیخ چنین

-
۱. اسکندر بیگ ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۴)، ج ۱، ص ۱۵۵.
 ۲. ابراهیم برهان آزاد، "دو نکته مربوط به شرح حال شیخ بهایی"، ینما، ۱۳، ۲ (۱۳۵۱): ۱۴۳-۱۴۶.
 ۳. علی خان صدرالدین بن احمد نظام الدین حسینی حسینی [ابن معصوم]، سلافه العصر (قاهره: [بی نا]، ۱۳۲۴)، ص ۲۸۹.
 ۴. محمد امین بن فضل الله محبی حنفی، خلاصه الاثر، (قاهره: [بی نا]، ۱۲۸۴)، ج ۳- ص ۳۰۱.
 ۵. محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، به کوشش محمدرضا بزرگر خالقی و عفت کرباسی، (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۲۹۰.
 ۶. محمد هاشم بن علی خراسانی مشهدی، منتخب التواریخ (تهران: [بی نا]، بی تا)، ص ۴۶۱.
 ۷. محمدباقر موسوی خوانساری، روضات الجنات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، [بی جا]: مکتبه اسماعیلیان، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۴۰.
 ۸. حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، (تهران: [بی نا]، ۱۳۱۸)، ج ۳، ص ۳۷۲.

می توان دریافت که ایشان اهل دانش و از پیشوایان دین در جبل عامل بوده اند.^۱

پدر بهایی، شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد، نیز از مشایخ مشهور و علمای بزرگ شیعه دوران خود در ایران و لبنان و از شاگردان زین الدین علی بن احمد عاملی معروف به «شهید ثانی» بوده است، که پس از شهادت استادش در سال ۹۶۶ به ایران آمد.^۲ وی، محقق، ژرف بین، متبحر، جامع، ادیب و شاعری والامقام بود و از خود آثاری چون: اربعین حدیث، حاشیه ارشاد، عقدالحسینی، عقدالطهماسبی، دیوان شعر و رسالات بسیار دیگری به جا گذاشت.^۳ گذاشت.^۴

همسر شیخ بهایی، دختر شیخ علی منشار، شیخ الاسلام اصفهان، زنی عالم، محدث و فقیه بوده است.^۴ شیخ را همچنین برادری بوده است به نام «ابوتراب عبدالصمد بن حسین» که سعید نفیسی با ذکر دلایلی او را بزرگتر از شیخ می داند.^۵

۱-۲. ولادت و کودکی

بهاء الدین سه روز مانده به ذیحجه سال ۹۵۳ در بعلبک هنگام غروب آفتاب دیده به جهان گشود و در حالی که نزدیک به دوازده سال داشت به همراه خانواده به ایران آمد و ابتدا در اصفهان سکنی گزید.^۶ اقامت آنها در این شهر سه سال به طول انجامید و سپس به سمت قزوین، مرکز آن روز صفویان، حرکت کردند. شاه طهماسب که آوازه پدر بهایی را به عنوان یکی از شاگردان برجسته شهید ثانی شنیده بود، از آنها به گرمی استقبال کرد و آنها نیز در آن شهر اقامت کردند.^۷

۱-۳. تحصیلات و معلومات

تحصیلات بهایی قبل از ورودش به ایران آغاز شد. نخستین معلم او پدرش، حسین بن

۱. موسوی خوانساری، ص ۵۳۲-۵۴۰.

۲. اسکندر بیگ ترکمان، ج ۱، ص ۱۵۵.

۳. سعید نفیسی، دیوان کامل شیخ بهایی، (تهران: چکامه، ۱۳۶۱)، ص ۲۱.

۴. موسوی خوانساری، ص ۴۰۴.

۵. نفیسی، ص ۲۲.

۶. موسوی خوانساری، ص ۱۹۳.

۷. اسکندر بیگ ترکمان، ج ۱، ص ۱۵۶.

عبدالصمد بود. وی حدود سی سال از پدر، علوم عربی، حدیث، فقه، اصول، تفسیر و درس اخلاق را فرا گرفت. پس از آن حکمت، کلام و برخی از علوم منقول را از شیخ عبدالله یزدی مؤلف مشهور حاشیه بر تهذیب منطق، «حاشیه ملا عبدالله»، ریاضی را از ملا علی مذهب، ملا افضل قاضی و ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی، طب را از حکیم عمادالدین محمود از مشهورترین اطباء ایران و طبیب مخصوص شاه طهماسب و صحیح بخاری را از شیخ محمد بن ابی اللطیف مقدسی آموخت.^۱

بهبایی «در هر یک از جمیع معارف و علوم زمان خود، حتی در جفر و رمل و اعداد و طلسمات، کتابی جداگانه تألیف نموده، در هر علمی مقام استادی دارد»^۲ و نیز در مورد علم و دانش او از شاگردش، سید عزالدین حسین کرکی نقل شده که: «او فاضل ترین مردم روزگار بود و در دانستن برخی از دانش ها یگانه بود»^۳ و ملا محمد تقی مجلسی که او نیز از شاگردان شیخ بوده می گوید: «جفر جامع و جفر ابیض داشتیم و در جوانی من کسی دعوی آن دانش نمی کرد به جز شیخ بهاء الدین محمد که گفت من فی الجمله از گذشته ها خبر دارم، تا آنکه گفت من قواعد علامه را از جفر جامع استخراج می توانم کرد.»^۴

۴-۱. زندگی اجتماعی و سیاسی

زندگی اجتماعی شیخ بهایی ترکیبی از چند روش زندگانی است که حاصل فقاقت و اسلام شناسی، عرفان و ژرف نگری، اختلاط با پادشاهان و تصدی مناصب و در نهایت تجربه و آزمایش های بی شمار علمی به خصوص در ریاضی و نجوم می باشد.^۵

غالب تذکره نویسان در احوال شیخ بهایی، بر مشی ملایم و عوام پسندانه وی تأکید داشته اند، به طوری که اقشار مختلف جامعه آن دوران از قلندران کوچک و بازار گرفته تا عارفان و دانشمندان و همچنین پادشاهان و درباریان، وی را از خود دانسته و به وجودش مباحثات می کردند. چنانچه مؤلف سلافة العصر می گوید: «شیخ بسیار بخشنده بود و سرای عالی

۱. همان؛ موسوی خوانساری، ص ۵۴۰؛ تنکابنی، ص ۱۷۴.

۲. نفیسی، ص ۸۱.

۳. همان، ص ۳۸.

۴. محمد تقی مجلسی، لوامع صاحب قرانی، (تهران: آبی نا)، (۱۳۳۱)، ج ۱، ص ۱۴.

۵. محمد قصری، سیمایی از شیخ بهایی در آئینه آثار، (تهران: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۴)، ص ۲۶.

داشت، زنان و یتیمان بدانجا پناه می بردند و چه بسیار کودکان که در آن سرای شیر خوردند و چه بسیار مردم که در آن پناه جستند. وی به مردم بخشش فراوان نمود و با آن همه، میل تقرب به پادشاهان نداشت و بیشتر مایل به تنهایی و سیاحت بود.^۱

بخشی از زندگی شیخ با مناصب رسمی و حکومتی مرتبط است. آغاز آن شاید ورود پدرش به مجلس شاه طهماسب و پذیرفتن منصب شیخ الاسلامی هرات بوده باشد، ولی تجلی این دوره را باید از زمان شاه عباس و تقرب بهایی در دستگاه حکومتی وی دانست. آن چنان که در نزد وی «قرب و منزلتی بسزا یافت [او] کتاب جامع عباسی را به نام آن شاه والجاه تألیف داشته است.»^۲ و از او بود که پس از فوت شیخ علی منشار و به دلیل احاطه اش در مسائل فقهی،^۳ «منصب شیخ الاسلامی، وکالت حلالیات و تصدی امور شرعی اصفهان یافت»^۴ و در نزد شاه به دومین فرد در امور دینی تبدیل گردید. منصب شیخ الاسلامی، از بالاترین مقامات مذهبی در حکومت صفوی بود و شیخ الاسلام در خانه خود به دعاوی و امر و نهی شرعی می پرداخت و طلاق نیز در حضور او انجام می شد^۵ و «از شاه، همه ساله مواجبی داشت و مانند قاضی اصفهان با فرمان وی معین می شد.»^۶

شیخ در همین زمان اقدامات فرهنگی، اجتماعی و عمرانی بسیاری کرده است که می توان به نمونه های ذیل اشاره کرد:

۱- ساخت ساعت آفتابی یا شاخص تعیین کننده اوقات شبانه روز که با مهارتی که در ریاضی، معماری و مهندسی داشته این اثر را طراحی کرده است.^۷

۲- تقسیم آب زاینده رود که طبق «طومار شیخ بهایی»^۸ وی در عهد سلطنت شاه طهماسب مأمور شده است که آب زاینده رود را بین محلات اصفهان تقسیم کند.

۳- کاریز نجف آباد؛

۴- تعیین سمت قبله مسجد امام اصفهان؛

۱. ابن معصوم، ص ۲۹۲.

۲. محمد علی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، (تبریز: شفق، ابي تا)، ج ۳، ص ۳۰۳.

۳. موسوی خوانساری، ج ۲، ص ۳۴۱.

۴. اسکندر بگ ترکمان، ج ۱، ص ۱۵۶.

۵. مریم میر احمدی، دین و مذهب در عصر صفویه، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳)، ص ۶۲.

۶. نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۷)، ج ۱، ص ۳۹۷.

۷. لطف الله هنرفر، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، (اصفهان: گل ها، ۱۳۷۲)، ص ۸۵.

۸. دائرة المعارف فارسی، ذیل «طومار شیخ بهایی».

۵- حمام شیخ بهایی: «از دیگر کارهای شگفتی که به وی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای است که هنوز در اصفهان از آن مانده و به حمام شیخ بهایی معروف است... و چنان ساخته [شده] بود که با شمعی گرم می شد... و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش شود و گلخن از کار بیفتد و چون... آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر نتوانستند بسازند.»^۱ و شاردن، گردشگر معروف فرانسوی نیز، در سفرنامه خود به آن اشاره کرده است.^۲

۶- بهایی همچنین در طراحی و ساخت بناهای دیگری از جمله: خیابان چهارباغ، میدان نقش جهان، منارجنبان، عالی قاپو، کاخ هشت بهشت و چهلستون نیز نقش داشته است.^۳ بخش دیگری از زندگی شیخ بهایی به سیر و سیاحت به نقاط مختلف جهان اسلام گذشت. غالب تذکره نویسان درباره سفرهای او غلو کرده اند، چنانچه بعضی گفته اند: «در آغاز عمر به جهان گردی رفت و به کسوت فقر در آمد و سی سال سفر کرد و یک شب و یک روز نیارمید و سپس به ایران بازگشت»^۴ و «مدت ها در عراق عرب و شام و مصر و حجاز و بیت المقدس سیر می نمود و در ایام سیاحت به صحبت بسیاری از علما، دانشمندان و اکابر صوفیه و ارباب سلوک و اهل الله و تجرد گزینان خدا آگاه رسیده و از صحبت فیض بخش ایشان بهره مند گردیده و جامع کمالات صوری و معنوی گشت»^۵ و «پس از رجوع شیخ از اسفار، دارای علوم غریبه شد و به صفای نفس اموری از او صادر می شد و تصرفاتی می نمود.»^۶ این گفته ها با توجه به اینکه وی مردی بسیار پرکار و صاحب مقامات ظاهری معروف از جمله شیخ الاسلامی پایتخت بوده است، تناسبی ندارد و شاید به این منظور بوده که شأن وی را در وارستگی، خاطر نشان کنند.^۷ به هر حال آن چنان که خود در اشعارش می گوید این سفرها جزء شیرین ترین و خوش ترین لحظات زندگی اش بوده است.^۸

۱. همان، ص ۵۲.

۲. شاردن، سیاحت نامه، ترجمه محمد عباسی، (تهران: امیر کبیر)، ج ۸، ص ۹۴.

۳. تنکابنی، ص ۱۸۳.

۴. علی خان بن احمد مدنی، حدائق الندیبه، (قم، هجرت، ۱۳۸۹)، ص ۲۴.

۵. اسکندر بیگ ترکمان، ص ۱۵۷.

۶. تنکابنی، ص ۳۰۲.

۷. نفیسی، ص ۲۸.

۸. «ای خوش ایام شام و مصر و حجاز فارغ از فکرهای دور و دراز»، نفیسی، ص ۱۵۸.

۱-۵. اخلاق و عقاید و مذهب

۱-۵-۱. اخلاق

از آنچه معاصران بهایی در حق وی گفته اند و از آنچه از آثارش به خوبی بر می آید، مسلم است که وی مردی بسیار وارسته، درویش مسلک، دور از هوای نفس، دوستار دانش، مردم دوست، بخشنده و فروتن بوده و همه خوی هایی که باید در دانشمندی صوفی منش گرد آید در سرشت وی فراهم بوه است. او «در بحبوحه منصب و در عین اشتغال به کارهای قضا و محراب و منبر و آمیزش با پادشاهان و درباریان و دادن حکم حلال و حرام، باز هم روی از دانش و درس و تألیف و تهذیب بر نکشیده و هیچ یک از کرائم صفات و محاسن ذاتی و اکتسابی خود را از دست نداده و در اوج مقام شیخ الاسلامی و در نهایت وارستگی کرم و قناعت و آزاد منشی و دانش دوستی و خوش روئی و فروتنی زیسته است.»^۱

در مورد مذهب و آیین شیخ، برخی ادعا کرده اند که او به حلب رفته و اظهار کرده که «من پیرو تسننم و صحابه را دوست دارم، لیکن چه کنم که پادشاه ما شیعه است و سنیان را می کشد»^۲ و بر این اساس او را از اهل جماعت می دانند، ولی در این باب با همه آنچه گفته اند «گذشته از تألیفات او که به هیچ وجه شکی در شیعه بودن او نمی گذارد و به راستی او را باید از سازندگان بنای استوار مذهب شیعه در زمان صفویه در ایران دانست و گذشته از آنکه پدران او و مردم دیار وی از دیرباز همه شیعه بوده و در این راه آزارها کشیده اند، مناظرات و مجابات او با پیشوایان سنت در ضمن سفرهای وی و پاسخ های عالمانه دندان شکن او که به آنها داده است، در همه تراجم او ثبت آمده»^۳.

۱-۵-۲. شیخ بهایی و تصوف

در خصوص انتساب شیخ به تصوف موارد قابل استناد بسیاری وجود دارد از جمله سید عزالدین حسین کرکی، شاگرد وی می گوید: «وی از فاضل ترین مردم روزگار بود... و به تصوف میل بسیار داشت.»^۴ و در کتاب فلاسفه شیعه آمده است: «عرفان و تصوف در بسیاری از

۱. همان، ص ۲۹.

۲. محمد امین دمشقی، ج ۳، ص ۲۴۳.

۳. نفیسی، ص ۳۶.

۴. محمد باقر خوانساری، ج ۷، ص ۵۷.

تألیفاتش انعکاس بسیار واضح و بارزی دارد و شاید همان کتاب کشکول او ما را متوجه هدف های عرفانی او می سازد؛ چه در آن کتاب فراوان، اقوال زاهدانه عابدان و عرفا و متصوفه و قصص آنها را نقل کرده است^۱؛ از جمله در همین کتاب از بزرگانی چون ابراهیم ادهم، نجم الدین کبری، مولوی، جنید و غیره نام برده^۲ و اصطلاحاتی چون: فقر، وقت، صوفی و غیره را تعریف کرده و توضیح داده است.

به هر حال «چیزی که مسلم است این است که [وی] قطعاً مشرب تصوف داشته و طبعاً به عرفان و سلوک متمایل بوده است، کدام دانشمند بزرگ روشن فکر با ذوق ایرانی بوده است که همین صفت را نداشته باشد... و جای آن دارد که بهایی را بزرگ ترین عارف اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ایران بشماریم... بزرگ ترین کاری که بهایی در جهان کرده است، آن است که همواره در تألیف میان طریقت و شریعت کوشیده است و در همه آثار وی این کوشش جانکاه که در جمع میان عرفان و فقه به کار برده آشکار است... و همه جا در کتاب های حدیث و فقه و حتی در کتاب های دعا که تألیف کرده است، آن روح تصوف و عرفان را با خویش آورده و با نهایت زبردستی و با کمال دلنشینی، دشوار پسندی های فقیهان پیش از خود را از سر چشمه عرفان آب داده و در لفافه زر اندود تصوف پیچیده است»^۳ و البته تصوف بهایی، عرفان حق و ذوق سلیمی است که عالمان یکتاپرست باور داشته اند و نه مذاهب الحادی و وحدت وجود^۴ و خود در پند نامه موش و گربه از قول گربه می نویسد: «پس ای موش، صوفی اسمی است به معنی صاف... اگر کسی در عبودیت از عیوبات دینی، صاف و بی غش و تابع و خالی از غش و مکر و حيله و تزویر و شید و سالوس و سفاهت بوده باشد و آنچه از خدا و رسول و علمای شریعت به او رسیده، همه را از روی صدق و صفا، راست و درست فهمیده به آن قیام نماید»^۵.

۱. عبدالله نعمه، فلاسفه شیعه، مترجم، جعفر غضبان، (تبریز: فرانکلین، ۱۳۴۷) ص ۳۴۸.

۲. محمد معصوم شیرازی، طرایق الحقایق، تصحیح، محمد جعفر محجوب، (تهران: کتابخانه سنایی، [بی تا])، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳. نفیسی، ص ۳۸-۳۹.

۴. علامه امینی، الغدیر، (بیروت: دارالکتاب العربیه، ۱۳۸۷)، ج ۱۱، ص ۲۸۱.

۵. نفیسی، ص ۲۶۵.

۱-۶. شاگردان و معاصران

بهایبی از دانشمندان بسیار معروف زمان خود بوده و همواره به درس و بحث می پرداخته است، گروهی از دانشوران نامی قرن یازدهم که مدتی پس از وی زیسته اند و نزد وی درس خوانده اند عبارتند از:

۱- شیخ جواد بغدادی کاظمینی که کتب زبدة فی الاصول الفقه و خلاصة الحساب شیخ بهایی را شرح کرده است.

۲- ملا محمد محسن فیض کاشانی؛

۳- ملا محمد باقر سبزواری معروف به محقق؛

۴- صدرالدین محمد شیرازی معروف به ملاصدرا؛

۵- ملا محمد تقی مجلسی؛

۶- شیخ زین الدین علی قدمی بحرانی معروف به امام الحدیث؛

۷- یحیی لاهیجی؛

۸- ابوعلی حسینی بحرانی^۱ و... که اینها تنها بخشی از خیل عظیم شاگردان او هستند.

همچنین بهایی با دانشمندانی چون: میر ابولقاسم فندرسکی (میرفندرسکی)، میر محمد باقر استرآبادی (میرداماد)، مقدس اردبیلی (محقق اردبیلی)، محقق ثانی (محقق کرکی)، غیاث الدین منصور بن صدرالحکما (غیاث الحکما) نیز همدوره بوده است.^۲

۱-۷. آثار و تألیفات

«شیخ بهایی در هر یک از جمیع معارف و علوم زمان خود، حتی در جفر و رمل و اعداد و طلسمات، کتاب های جداگانه تألیف نموده، در هر علمی مقام استادی دارد، همه کتاب هایش مختصر و مفید، به اندازه کفایت، بدون اندک زیادتی در لفظ یا قصوری در معنی بود، اغلب آنها شاهکار استادانه به حساب می روند [و] در همه آثار... حدود فصاحت و شروط بلاغت کاملاً مراعات شده».^۳

۱. همان، ص ۶۱.

۲. همان، ص ۲۲-۶۵.

۳. همان، ص ۸۱.

«اهمیت آثار شیخ بهایی در آن است که آنها را به قصد تدوین کتاب های درسی برای طالبان علم ترتیب می داده و در تدوین آنها طریق اختصار و سهولت بیان می سپرده است و از این روی هم از دوران زندگانی اش در مدرسه های قدیم رواج یافت»^۱، گرچه برخی نیز معتقدند که: «آثار علمی شیخ بهایی نه فقط هیچ گونه پیشرفت علمی را نشان نمی دهد بلکه از لحاظ اصالت و ابتکار، مانند آثار علمی اخلاف وی، حاکی از انحطاط شدید علمی است»^۲. آثار بهایی را می توان در چند شاخه کلی دسته بندی کرد که در ذیل به مهم ترین آنها اشاره می شود.

۱-۷-۱. آثار مذهبی

شامل تألیفاتی است در زمینه های فقه، اصول، حدیث، تفسیر و ادعیه که حجم آن بسیار زیاد است و تنها به تعدادی اشاره می شود:^۳

- ۱- اثنی عشریات خمس؛
- ۲- اربعین حدیث؛
- ۳- تنبیه الغافلین؛
- ۴- تهذیب البیان؛
- ۵- جامع عباسی؛^۴
- ۶- حاشیه من لایحضره الفقیه؛
- ۷- حبل المتین فی احکام الدین؛
- ۸- حدائق الصالحین فی شرح صحیفه سید الساجدین؛
- ۹- حل حروف القرآن؛
- ۱۰- حواشی بر تفسیر کشاف زمخشری؛
- ۱۱- رساله مختصرة فی اثبات وجود صاحب الزمان - علیه السلام -؛
- ۱۲- زبدة فی الاصول الفقه؛^۱

۱. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، (تهران: فردوس، ۱۳۷۶) ج ۵، ص ۳۵۲.

۲. دائرة المعارف فارسی، ذیل «شیخ بهایی».

۳. رک: نفیسی، ص ۶۳-۷۳.

۴. جامع عباسی، کامل ترین اثر شیخ در فقه و یکی از معروف ترین کتاب های فارسی در این فن است.

- ۱۳- شرح تفسیر بیضاوی؛
- ۱۴- شرح فارسی علی الفیه ابن مالک؛
- ۱۵- شرح من لایحضره الفقیه؛
- ۱۶- مختصر الاصول؛
- ۱۷- مشرق الشمسین و اکسیر سعادتین؛
- ۱۸- مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله؛

۱-۷-۲. ریاضی، نجوم، طبیعیات

- ۱- بحر الحساب؛
- ۲- تحفه حاتمیه؛
- ۳- تشریح الافلاک؛
- ۴- جبر و مقابله؛
- ۵- خلاصه الحساب؛
- ۶- رساله اعمال اسطرلاب؛
- ۷- رساله تضاریس الارض؛
- ۸- رساله فی حل اشکال عطارد و القمر.

۱-۷-۳. آثار ادبی

بهایی در هر دو زمینه نثر و نظم آثاری از خود به جا گذاشته است.

۱-۷-۳-۱. آثار منشور

۱-۷-۳-۱-۱. پند نامه اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش

این کتاب به زبان فارسی است با نثری شیرین، ساده، روان، جذاب، آموزنده و نزدیک به زبان محاوره که در جای جای آن از آیات، احادیث، اشعار و ضرب المثل ها، نیز استفاده شده

۱. زبدة فی الاصول الفقه، شاخص ترین اثر بهایی در زمینه اصول فقه است .